

خانه نمادی از طبقه اجتماعی در سینما

1- مقدمه

صفحه 1 |

خانه برای ما انسان ها همیشه هویت ساز بوده است. هم هویت فردی و هم اجتماعی ما در قالب و مشخصات خانه هایمان شکل می گیرد. [آرش نراقی](#) فیلسوف معاصر فارسی زبان معتقد است «خانه به معنای دقیق فلسفی، «حریمی» است که دو ویژگی اصلی دارد: اول آنکه، خانه حریمی است که تو در آن احساس امنیت و آرامش، و صداقت می کنی... اما ویژگی دوم خانه این است که جایگاه دلبستگی است... برآیند این «حفاظت دوگانه» است که فضا یا حریمی را تبدیل به خانه می کند.» طبق این تعریف آغوش مادر، فرهنگ و زبان و یا حتی حضور محبوب هم شکلی از در خانه بودن است. اما نراقی خانه را تنها در ابعاد فردی آن تعریف کرده است. بعد اجتماعی خانه هنگامی شکل می گیرد که هر فرد بر اساس جایگاه و شان اجتماعی اش در خانه ای سکونت می گزیند. یکی از تفاوت های عمده خانه شخصی و خانه اجتماعی در پیشرفت و قابلیت مقایسه آنها با یکدیگر است. خانه فردی را ما انتخاب نمی کنیم، هر کجا هستیم همانجا خانه ماست و لذا کسی برای بهبود این حس گرما تلاشی نمی کند. اما خانه اجتماعی ما طبقه ای است که به آن تعلق داریم و خود را با دیگران در آن حوزه مقایسه می کنیم. این مقایسه در بطن مفهوم طبقات اجتماعی جا دارد، چرا که جایگاه ما در نسبت با جایگاه دیگران تعریف می شود. اگر من کارگر هستم و در پایین شهر زندگی می کنم، حتما سرکارگری وجود دارد که در میانه شهر زندگی می کند و رئیسی هست که در بالای شهر قرار دارد. تحصیلات و درآمد من تنها در مقایسه با آنها کم یا زیاد است. اما این مقایسه در خانه های شخصی ما قابل انجام نیست؛ چه که من می توانم در خانه ای محقر زندگی کنم، کم رونق ترین زبان دنیا را داشته باشم و متعلق به جزیره ای کوچک در دورافتاده ترین نقطه اقیانوس ها باشم، اما همانقدر آرامش داشته باشم که مردم متمدن دنیا در آپارتمان هایشان دارند. پس خانه های اجتماعی ما در مقایسه با دیگر اعضای جامعه بالاتر یا پایین تر است.

در این مقاله سعی می کنم برخی از نمونه های تصویرسازی خانه اجتماعی در سینما را توضیح دهم. البته تمرکز این مقاله بیشتر بر روی نقش اجتماعی خانه در طبقه بندی مردم است. نمونه های برجسته ای در تاریخ سینما وجود دارد که اختلاف طبقاتی را در قالب شکل و نوع و ساختار خانه به تصویر می کشد. اگر همانند آرش نراقی بپذیریم که مفهوم خانه تنها به یک چهاردیواری آجری اطراف ما محدود نمی شود؛ آنگاه می توانیم نمونه های بیشتر و غنی تری در سینما بیابیم که انسان ها در جهت بهبود محل زندگی خود دست به اقداماتی تهور آمیز می زنند. این تلاش برای ارتقا مسلما ناظر به خانه هایی است که در بالادست وجود دارد. پس همان طور که در بالا اشاره کردیم، خانه اجتماعی طبیعتا قابلیت مقایسه شدن دارد و این مقایسه پذیری امکان پیشرفت را به انسان می دهد و اگر این پیشرفت صورت نپذیرد یا اختلاف زیاد باشد، اسباب مشکلات اجتماعی را پدید می آورد. اجازه دهید این مطالب را در قالب نمونه های سینمایی بیشتر توضیح دهیم.

2- بونگ جون-هو

بونگ جون_هو کارگردان سرشناس کره جنوبی است که بیشتر برای ساخت فیلم «[خاطرات قتل](#)» مشهور شد. اما اوج شهرت او در سال 2019 و برای فیلم «[انگل](#)» (Parasite) به دست آمد. این فیلم یک نقد اجتماعی تلخ و در عین حال یک کمدی ساده و سرراست است. [بونگ جون-هو](#) در مصاحبه ای گفته است ریشه اصلی این فیلم احتمالاً در جوانی او روییده است: هنگامی که در دوره دانشگاه همانند قهرمان فیلم برای آموزش به منزل کودکان ثروتمند می رفت و متوجه اختلاف طبقاتی موجود در کره جنوبی می شد. یکی از آن تجربه های ناب هنگامی رخ داد که او به خانه ای رفت که در طبقه دوم سونا داشت! این ایده در ذهن جون-هو بود تا در سال 2013 فیلم «[برف شکن](#)» را ساخت. این فیلم به طور مستقیم درباره محل زندگی (خانه) دو قشر مختلف از مردم در آخالزمان است. در این فیلم مردم دون پایه در انتهای یک قطار ابدی در وضعیتی اسفناک زندگی می کنند و مردم ثروتمند در جلوی قطار به تمام منابع دسترسی دارند. اختلاف طبقاتی در این فیلم به وضوح با محل زندگی مردم گره خورده است. مردم انتهای قطار برای بهبود وضعیت خود و کم کردن اختلاف طبقاتی می خواهند به جلوی قطار بیایند و خانه خود را ارتقا دهند. اما این تصویر ذهن خلاق بونگ جون-هو را اقناع نمی کند. به همین خاطر او از همان سال 2013 به فکر ساخت فیلم «انگل» می افتد.

در فیلم «انگل» داستان حول دو خانواده ثروتمند و فقیر شکل می گیرد و بیشتر نماهای فیلم در خانه های این دو خانواده سپری می شود. نکته جالب در این فیلم آنجاست که خانه خانواده فقیر زیرزمین (پایین تر از نقطه صفر) و خانه خانواده ثروتمند در بالای شهر و در ارتفاع است. حتی جالب است که درب ورودی خانه چند پله بالاتر از سطح زمین در نظر گرفته شده است تا به شکل واضحی این اختلاف ارتفاع را به تصویر بکشد. اگر بپذیریم که در فیلم «انگل» خانه نماد طبقه اجتماعی است، آنگاه می توان به وضوح دید که در جامعه کره جنوبی (یا جامعه های مشابه) اختلاف طبقاتی از زیرزمین تا بالای زمین است. در سکانس ابتدایی فیلم شاهد میل شدید خانواده فقیر به پیشرفت هستیم به طوری که آنها برای دستیابی به اینترنت رایگان چند پله بالا می روند و آنتن را از طبقات بالاتری می گیرند. آنها بالاخره می توانند به طبقات بالاتر راه پیدا کنند، اما در طول فیلم می بینیم که اگر یک سیلاب در شهر جاری شود، آب تمام شهر جمع شده و در خانه فقیرها (زیرزمین نشین ها) سرازیر می شود. این سیلاب را می توان به یک مشکل اجتماعی یا به یک بحران تعبیر کرد. در هنگام بحران خانه ثروتمندان صدمه ای نمی بیند، اما خانه فقرا نابود می شود، چرا که شیب زمین طبیعتاً از بالا به پایین است. اما در نهایت کل جامعه، فقیر یا ثروتمند به خاطر همین اختلاف طبقاتی صدمه می بیند.



تصویر شماره 1: فیلم انگل (2019) ساخته بونگ جون-هو. ارتفاع خانه در این فیلم اهمیت بسیاری دارد.

نکته جالب دیگر در فیلم «انگل» حضور خانواده سرایدار است. این خانواده نه فقیر و نه ثروتمند است. آنها در برزخ گیرکرده اند. شوهر سرایدار سال هاست که در انباری مخفی خانه پنهان شده و از زندگی عادی محروم شده است. [برایان تالریکو](#) منتقد سایت راجر ابرت این خانواده را «گرفتار میان جهان ها» و «گیرکرده در شکاف رو به گسترش بین داراها و ندارها» توصیف می کند. واقعیت این است که آنها نیز در اعماق زمین حضور دارند، چرا که برای رسیدن به مخفی گاه شوهر سرایدار باید چندین ردیف پله را پایین برویم تا به آنجا برسیم. در مورد نقش و اهمیت پله در این موضوع در بند چهارم این مقاله بیشتر توضیح می دهم. اما در اینجا به همین نکته اکتفا می کنم که خانه های زیرپله در سینما اغلب نشانگر طبقه اجتماعی پایین خانواده ساکن آن است.

3- اصغر فرهادی

کارگردان دیگری که به مفهوم خانه و نقش اجتماعی آن اهمیت بسیاری می دهد، اصغر فرهادی است. برخی از مهمترین فیلم های این کارگردان سرشناس و برنده جایزه اسکار حول مفهوم خانه می چرخد. آنچه برای من در این مقاله اهمیت دارد توجه فرهادی به مفهوم خانه به عنوان جایگاه اجتماعی انسان ها است. [اصغر فرهادی](#) در مصاحبه ای می گوید «خانه آدم ها در زندگی واقعی برای من همیشه انعکاس حال آدم هایی بوده که آنجا طولانی مدت زندگی کرده اند. در اتمسفر و معماری خانه انگار حال ساکنین آن و تضادها و گرفتاری هایشان جاری است». جالب است که این دغدغه در فیلم «[جدایی نادر از سیمین](#)» (1389) به وضوح به چشم می آید. مشکل در خانه نادر و سیمین ایجاد شده و خانه دچار آشوب و جدایی است. اما در اینجا خانواده نادر و سیمین در سطح متوسط جامعه قرار دارد. زمانی داستان به اوج خود می رسد که یک خانواده فقیر از لایه خود بیرون آمده و به خانه آنها می رود. در واقع گرچه مشکلات ریشه های عمیق تری دارد اما اختلاف

طبقاتی و برخورد آنها با یکدیگر سبب بروز آنها می شود. از سوی دیگر جالب است که در یک معنای وسیع تر مشکل خانواده نادر و سیمین با خانه بزرگتری به نام میهن است. در واقع داستان اصلی پیرامون خانواده ای است که از خانه خود راضی نیستند و می خواهند قدم فرابگذارند. این قدم به بالا گذاشتن مشکلات فراوانی از جمله ترک کردن تعلقات قدیمی را به همراه دارد. اما در انتهای این داستان نیز شاهد فروریختن کاخ آرزوهای خانواده هایی هستیم که قصد پیشرفت داشتند.



تصویر شماره 2: فیلم فروشنده (1394) ساخته اصغر فرهادی. (رعنا و عماد در خانه موقت خود روی پشت بام)

من معتقدم فیلم «[فروشنده](#)» (1394) بهترین اثر فرهادی از لحاظ کیفیت ساخت و درون مایه است. در اینجا نیز مفهوم خانه در مرکز داستان قرار دارد. فیلم با سکانشی آغاز می شود که دیوارهای آپارتمان در حال ترک خوردن و فرونشستن است. در این سکانس همه اهالی آپارتمان مجبورند از خانه های خود خارج شوند و پایین بیایند تا بتوانند جان خود را نجات دهند. دلیل این مشکل خانه دیگری است که در کنار این خانه در حال ساخته شدن است و اصول معماری را رعایت نکرده است. در واقع در همین سکانس اول فرهادی هدف خود را به ما نشان می دهد. مشکلات اجتماعی از برخورد سطوحی از جامعه شکل می گیرد که اختلاف طبقاتی بسیاری دارند. همه مردم تلاش می کنند تا از طبقات پایین تر بالا بیایند، و این فاصله اگر بیش از حد زیاد باشد، اسباب فساد و تباهی است. [فرهادی](#) در مصاحبه خود درباره فیلم فروشنده می گوید «بنابراین اینجا خانه، فقط یک لوکیشن ساده نیست. نشانه ای است از درون ساکنین آن و انعکاسی از روابطشان».

داستان فیلم «فروشنده» در واقع از زمانی کلید می خورد که عماد و رعنا به خانه ای در پشت بام منتقل می شوند. گرچه خانه ی روی بام اعیانی و فاخر نیست، اما این حرکت مسلما رو به بالاست. پیدا کردن این خانه به معنای نجات از معضل

خانواده است، گرچه این نجات موقت باشد. در طول اسباب کشی شاهد بالا رفتن عماد و رعنا از پله ها هستیم. در واقع آنها بالا می روند، اما آنچه در بالا انتظار آنها را می کشد، خانه ای پوشالی است که تازه اول مشکلات است. این خانه پوشالی پیش از این نیز محل زندگی زنی روسپی بوده که از فرط بدبختی مجبور به ترک خانه شده است. پس شاید بتوان گفت خانواده رعنا و عماد بیشتر شبیه خانواده سرایدار در فیلم «انگل» است. آنها بین زمین و آسمان گیر کرده اند. آنها از پله ها بالا می روند و تلاش می کنند تا خانه اجتماعی خود را بالاتر ببرند، اما در واقع اختلاف طبقاتی آنقدر زیاد است که این بالا رفتن چیزی جز نابودی و تباهی به بار نمی آورد. بیهوده نیست که عماد در دیالوگ مشهور فیلم از ساختار اجتماعی شهر نالن است «دلم می خواد یک بلدوزر بندازم همه این شهر را خراب کنم».

4- پلکان طبقات اجتماعی بالا و پایین دارد

سعی کردم حداقل در آثار دو کارگردان مشهور سینما نشان دهم که خانه می تواند نماد طبقه اجتماعی باشد. اما هنگامی که اختلاف طبقاتی وجود داشته باشد، تلاش برای پیشرفت و بالا رفتن از طبقات نیز پدید می آید. بیشتر اشاره کردم که این پیشرفت لزوما منفی و مخرب نیست، اما اگر اختلاف طبقاتی زیاد باشد، می تواند اسباب دردسر شود. در سینما و به طور ویژه در فیلم هایی که در بالا ذکر کردیم، پلکان اهمیت بسیاری در نشان دادن این تلاش رو به بالا دارد. در واقع برای رفتن به خانه های بالای شهر باید پله ها را بالا رفت، اما کسی که از پله ها بالا برود، خانه پایینی خود را رها کرده است، و ممکن است دچار آسیب های جدی شود. [آرش نراقی](#) پیش از این به ما گفته بود که خانه واجد «حافظتی دوگانه» است، یعنی ما از آن حفاظت می کنیم و خانه از ما محافظت می کند. اما هنگامی که ما خانه خود را به سودای کسب خانه ای بهتر ترک می کنیم و در خانه ای سکونت می گزینیم که مکان و شان ما نیست، دیگر محافظ خوبی برای خانه خود نیستیم و نباید انتظار داشته باشیم خانه نیز برای ما حفاظت ایجاد کند. در فیلم «انگل» خانواده فقیر به طور کامل به خانه بالا شهر نقل مکان می کند و شروع به بهره برداری نامشروع از آن می کند. این در حالی است که خانه اصلی آنها در پایین شهر در حال غرق شدن است و خانه ای که در آن سکونت گزیده اند، هیچ مسئولیتی در قبال آنها ندارد. به همین خاطر است که در سکانس دیدنی فیلم شاهد پایین رفتن آنها از پلکانی هستیم که به اندازه تمام شهر طولانی است. آنها اندک اندک و با دوز و دغل از پله های ترقی بالا رفتند و در خانه ای بالادست سکونت کردند، اما هنگامی که سیل اجتماعی جاری شد، تمام پله ها را یک شبه پایین آمدند و شاهد نابودی خانه خود شدند. (این سکانس را در پایین این مقاله مشاهده کنید)

در فیلم «فروشنده» نیز رعنا و عماد به خانه ای نقل مکان کردند که خانه آنها نیست، به همین خاطر نباید از آن انتظار حفاظت داشت. آنها از پله ها بالا می روند تا صاحب مرتبه ای بالاتر شوند، اما در واقع مکان واقعی خود را متزلزل می کنند. (این سکانس را در پایین این مقاله مشاهده کنید) بیهوده نیست که در یک سکانس دیدنی از فیلم شاهد آن هستیم که رعنا در حال پاک کردن خون از روی پلکان است. احتمالا رعنا می داند که همه مشکلات در این پله های لعنتی نهفته است. این همان پلکانی است که در فیلم «جدایی نادر از سیمین» نیز اسباب دردسر می شود. راضیه بر روی همان پلکانی سقوط می کند که به آرامی از آن بالا آمده بود و شوهر و دخترش را به همراهش آورده بود، اما در نهایت سبب معضلی بزرگ بین طبقات بالا و پایین می شود.

اجازه دهید در انتهای این مقاله روی نکته ای که قبلا اشاره کردم، تاکید کنم. خانه در بیان این مقاله لزوما و صرفا از سنخ مکان نیست و می تواند شامل فرهنگ و تمدن و حضور و هر چیزی دیگری که به آن تعلق داریم بشود. یکی دیگر از شاهکارهای سینما که خانه و تلاش برای پیشرفت از طریق پلکان را به شکلی دیگر به نمایش می گذارد، فیلم «نمایش ترومن» (1998) است. در این فیلم ترومن در خانه ای به وسعت جهان زندگی می کند که خداوندگاری این جهان را ساخته و همه چیز را برای او فراهم کرده است. اما ترومن می خواهد از این خانه بیرون بیاید و پیشرفت کند. پس باید پلکانی باشد که از آن بالا برود. لذا در انتهای فیلم شاهد آن هستیم که ترومن از پله های انتهای جهانش بالا می رود، درب خروج را باز می کند و از جهان خود خارج می شود. (این سکانس را در پایین این مقاله مشاهده کنید) در اینجا انسان از خانه این جهانی خود خارج شده و وارد دنیایی بزرگتر می شود. این نشان می دهد که نیاز به پیشرفت خانه و استفاده از پلکان هرگز امری منفی و مخرب نیست. من حتی معتقدم اختلاف طبقاتی برای یک جامعه سالم، مفید و باعث تکاپو است. در حالی که فیلم های فرهادی و جون-هو اختلاف زیاد طبقاتی را نفی می کنند، فیلم «ترومن شو» نمونه مثبتی از ارتقای خانه را نشان می دهد.

5- مجموعه فیلم های این سیر مشاهدتی

اذعان می کنم که این سیر مشاهدتی با تمام پروژه های پیشین متفاوت است. دلیل این تفاوت رابطه باریکی است که در قالب مفهوم خانه و پلکان در بین فیلم های آن حضور دارد. شاید از یک بعد بتوانیم چندین فیلم فرهادی و چندین فیلم جون-هو را در این سیر مشاهدتی قرار دهیم. اما از آنجایی که هدف پروژه سیر مشاهدتی ارائه گلچینی از فیلم های مربوط به پرونده است، ما تنها به یک فیلم از فرهادی و یک فیلم از جون-هو اکتفا می کنیم. همچنین فیلم «نمایش ترومن» را به عنوان یک امر کلی در این پرونده می افزایشیم.

(فروشنده 2016): این فیلم برنده جایزه اسکار بهترین فیلم خارجی سال 2017 و نامزد دریافت جایزه گلدن گلوب شد. اهمیت این فیلم در این پرونده تاکید بر محوریت خانه در ایجاد معضل فیلم است. همچنین پلکان در این فیلم حضوری پررنگ دارد.

(انگل 2019): فیلم بونگ جون-هو در سال 2019 بر خلاف انتظار همگان توانست جایزه ارزشمند نخل طلای جشنواره کن را از آن خود کند. انگل به خوبی نشان می دهد چگونه خانواده فقیر و ثرتمند به خانه های خود گره خورده اند. اختلاق طبقاتی در این فیلم با اختلاف ارتفاع خانه ها نشان داده شده است.

(نمایش ترومن 1998): در این فیلم که یکی از شاهکارهای سینما محسوب می شود، ترومن در جهانی نمایشی محبوس شده است. او در انتهای فیلم با تلاش بسیار به انتهای جهانش می رسد و از پلکان ترقی بالا رفته و به خانه ای بزرگتر راه پیدا می کند.